



The role of preventive jurisprudential criminal policy against powerlifting sport crimes and violations

Arash Gholamrezai Rad ¹

Fatemeh Ahadi ^{*2}

Jamal Beigi ³

Received date: 2022/10/29

Acceptance date: 2024/04/29

Abstract

Today, sport is an international essence with national shades and cultures of countries. Although, in the new era, sport is not considered as the beating pulse and absolute power of a society like the economy, but it can be said that any society relied on the foundations of healthy and powerful sport can be remained prominent and stable and considered to be recognized in the world arena. But, in Islamic countries such as Iran, sport operations should not be contrary to the Sharia standards, and rules of Islamic Sharia in the provisions of the Islamic Penal Code in clause C clearly illustrates that sport and sport operations must not require self-inflicted mutilation or other-one mutilation. The role of jurisprudential criminal policy measures is to protect the rights of sport in line with the provisions of the constitution and implementation of Islamic jurisprudence for economic, social and cultural development in the general direction and enforcement of development of championship and powerlifting sport in order to present the comprehensive plan of the country. Since legitimate sport crimes do not fundamentally disturb the security, these crimes, therefore, have a special place in the Islamic Sharia. It seems that non-criminal methods, in order to preserve the dignity of athletes in the sport fields, are more effective in making criminal policy. In this article, an attempt has been made to fully discuss the responsibilities, crimes and sport violations of powerlifting in the form of jurisprudential criminal policy. I consider myself bound by my 25- year sport experience which includes numerous national championships and the 2017 world championships in Russia, and as a lawyer and athlete representative and the only international sport legal representative, I have given an international speech with participation of members of the CAS court, to provide science and knowledge of sport and law to the aspirants.

Key words: Preventive jurisprudential criminal policy, Sport, Crime, Prevention.

¹. PhD student, criminal law and criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.

^{2.*} Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.
(Corresponding Author) fateme_ahadi@iau_maragheh.ac.ir

³. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.

سیاست جنایی فقهی پیشگیرانه در قبال جرایم و تخلفات ورزشی پاورلیفتینگ

آرش غلامرضائی راد^۱ فاطمه احدی^{۲*} جمال بیگی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰

چکیده

امروزه ورزش ذاتی بین‌المللی با سایه‌های ملی و فرهنگی کشورهاست. هرچند ورزش در عصر جدید همچون اقتصاد، نبض تپنده و قدرت مطلق یک جامعه محسوب نمی‌شود، اما می‌توان گفت هر جامعه‌ای با تکیه بر پایه‌های ورزش سالم و قدرتمند می‌تواند، مطرح و با ثبات بماند و در عرصه جهانی شناخته شده قلمداد گردد. اما در کشورهای اسلامی چون ایران عملیات ورزشی نباید مغایر با موازین شرعی باشد و قواعد شریعت اسلامی در مقرارت ورزش و رقابت‌های ورزشی نباید مستلزم ایذاء نفس یا ایذاء غیر باشد. نقش تدابیر سیاست جنایی فقهی، حفظ حقوق ورزش در راستای منویات قانون اساسی و اجرای فقه اسلامی برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جهت عمومی و عملی کردن توسعه قهرمانی و ورزش پاورلیفتینگ در ارائه طرح جامع ورزش کشور می‌باشد. از آنجائی که جرایم ورزشی مشروع، اساساً مخل امنیت و آسایش جامعه نسبت در شریعت اسلامی جایگاه تعریف شده‌ای دارد به نظر می‌رسد روش‌های غیرکیفری به منظور حفظ شأن ورزشکاران در میدانی ورزش در ساخت سیاست جنایی، اثر بخشی بیشتری دارد. در این مقاله سعی گردیده به طور کامل مسئولیت‌ها و جرایم و تخلفات ورزش پاورلیفتینگ در قالب سیاست جنایی فقهی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی فقهی، ورزش، جرم، پیشگیری.

arash.gholamrezaei.rad@gmail.com

fatemeahadi@iau_maragheh.ac.ir

jamalbeigi@iau_margheh.ac.ir

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

^{۲*} استادیار گروه حقوق جزاء و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران. (نویسنده مسؤول)

^۳ دانشیار گروه حقوق جزاء و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

مقدمه

در حال حاضر ورزش به عنوان یک اهرم قدرت در هر جامعه محسوب می‌شود. به گونه‌ای که در اجتماعی با تکیه بر پایه یک ورزش و رژیم قدرتمند می‌تواند از لحاظ سیاسی مطرح و اثبات بماند. در هر کشوری برای اعمال قوانین کیفری و لزوماً فقهی، پیشگیری از جرایم ورزشی و بزهکاری و نیز اصلاح و درمان و موضوعات مشابه رویه‌های متفاوتی وجود دارد که مخصوص آن کشور بوده و معمولاً اراده جمعی آن کشور را تشکیل می‌دهد و هدف از سیاست جنایی فقهی پیشگیرانه در حوزه ورزش مبارزه با فساد جرایم تسهیل یابند. بدون شک برقراری حفظ نظم و انسجام در نظام ورزش نیازمند یک سیاست پویای فقهی است. از آنجایی که زندگی اجتماعی انسان با پدیده‌های اجتماعی نمود می‌کند، در حقیقت این پدیده‌های اجتماعی واقعیت‌هایی هستند که جزء ذاتی زندگی اجتماعی بشر می‌باشند که حیات جنایی در مفهوم مضیق خود مشتمل بر روش‌های سرکوب جرم در قبال پدیده‌های مجرمانه و در مفهوم موسع نافذ بر اتخاذ تدبیر قانونی، قضایی، اجرایی که علاوه بر سرکوب و واکنش کیفری مولفه‌هایی چون علت‌یابی، سازماندهی، تجزیه و تحلیل واقع‌گرایانه بزهکاری است. بنابراین عرصه ورزش پاورلیفتینگ همچون سایر عرصه‌ها با خطرات و پیشامدهایی روبه‌رو می‌شود که قطعاً مسئولیت‌های کیفری، فقهی و مدنی را برای ورزشکاران به همراه دارد. از نظر سیاست جنایی تقنین علی‌رغم تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ که متضمن چکیده‌های قواعد فقهی و شرعی در آن هستیم رویکرد حوزه جدیدی در این زمینه نمی‌باشیم و تخصیص یک بند به جرایم ورزشی در بند ۵ ماده ۱۸۵ قانون مجازات اسلامی از سال ۱۳۵۲ تا کنون هیچ تحولی صورت نگرفته است. در واقع هیچ‌گونه سیاست جنایی افتراقی اتخاذ نشده است و از نظر سیاست قضایی نیز همانند تقنینی، تدابیر و رویه خاصی در برخورد با بزهکاران ورزشی پیش‌بینی نگردید. به عبارتی این دسته از مرتکبین به جرایم ورزشی در دستگاه قضایی از امکانات و موقعیت‌های مناسب از مرحله اتمام، تعقیب، تحقیق تا رسیدگی صدور حکم و سپری کردن در دوران محکومیت برخوردار نیستند و از نظر سیاست جنایی اجرایی علی‌رغم پیش‌بینی خاص در سیاست جنایی تقنینی و قضایی در حوزه سیاست جنایی اجرایی شاهد اقداماتی هستیم که می‌تواند به پیشگیری افراد متخلف از جرایم ورزشی کمک شایانی کند. مثل سازمان‌ها و نهادهای ورزشی در سطح داخلی، همچون وزارت ورزش، فدراسیون‌های ورزشی، هیات‌های ورزشی و

آیا سیاست جنایی ورزش پاورلیفتینگ در بعد پیشگیری، صرفاً باید به جنبه‌های فقهی توجه کند؟ آیا می‌توان به مولفه‌های علت‌یابی، سازماندهی، تجزیه و تحلیل بدهای فقهی واقع‌گرایانه مراجعه کرد؟ آیا رسانه‌های ورزشی در پیگیری و سرکوبی جرایم ورزش به صورت دوگانه، باعث افزایش و کاهش جرم می‌شوند؟

پیشینه تحقیقات

نسبت به پیشینه موضوع به صورت کتابخانه‌ای تحقیقاتی به عمل آمده و علی‌رغم بررسی و تحقیق مبنی بر اینکه در خصوص هدف پژوهش سابقه‌ای خاص وجود دارد یا نه؟، مقاله یا کتاب یا پایان نامه تحقیقی که به موضوع نزدیک باشد در دست نیست. اما تلاش شده تا موضوعاتی که از لحاظ کمیت و کیفیت نسبت به موضوع باشد بررسی و به صورت ماهیتی عنوان شود. فی‌المثل در کتاب‌های فقهی چون شرح لمعه شهید اول و شهید ثانی، شرایع الاسلام و مبانی کلمه المنهاج مبحثی که به طور مستقیم یا شفاف به مرور پرداخته باشد، یافت نشده است. اما می‌توان به طور اختصار به مباحث زیر اشاره کرد:

۱. البرز چلبی (۱۳۹۰) در کتاب «حقوق ورزشی» می‌نویسد، قانون اساسی هر سرزمین و کشور اساسی‌ترین و محکم‌ترین سندی است که برای یک ملت و یک کشور و یک حکومت تنظیم و تدوین شده و مجموعه قواعد و قوانینی است که معمولاً در آغاز تشکیل ملت‌ها و دولت‌ها توسط نخبگان، فرزندان، کارشناسان، محققان و متخصصان حقوق اجتماعی و سیاسی ملی و دینی یک ملت تهیه و تنظیم می‌شود. در این قانون قوای مختلف مملکت مانند قوه مجریه و قوه مقننه و قوه قضائیه از نظر اصول کارشناسی و اجرای قوانین مورد بررسی و توجه قرار داده می‌شود.
۲. علیرضا عبدی و دکتر جمال بیگی (۱۳۹۷)، در مقاله «بررسی جرم شناختی جرایم ورزشی در ایران» اشاره کرده‌اند. هدف از تحقیق بررسی جرم شناختی جرایم ورزشی در ایران می‌باشد. جامعه به طور کلی به دو صورت پیشگیری و سرکوبی از خود در برابر بزهکاری واکنش نشان می‌دهد. پیشگیری غیر کیفری درصدد آن است که با شناسایی و سپس حذف و خنثی‌سازی عوامل و موقعیت بزه‌دیده را از ورود به وادی

بزه‌دیدگی جلوگیری کند، در حالی که پیشگیری کیفری برای ایجاد بینش حمایتی در بخش‌های مختلف نظام عدالت کیفری در جهت پیشگیری از تکرار این پدیده‌ها تأکید دارد.

۳. شایان کریمی خانقاه (۱۳۹۸) در مقاله «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و حقیقی در راستای فعالیت ورزشی» مکتوب می‌دارد، دولت و مراجع دولتی و بخش‌های خصوصی نیز متصدی فعالیت ورزشی می‌باشند که به زودی و با تصویب لایحه سازمان نظام تخصصی ورزشی کشور، نقش تصدی‌گرایانه دولت در این زمینه کاهش پیدا خواهد کرد در صورت انتساب جرم به اشخاص ورزشی که در حوزه ورزش فعالیت دارند و در صورت تحقق همه آرمان جرم می‌توان آن را نسبت به جرم ارتكابی دارای مسئولیت کیفری دانست. هر زمان بحث از مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی می‌شود، باید از یک طرف بین اشخاص حقوقی عمومی و حقوقی خصوصی و از طرف دیگر بین اعمال حاکمیت و تصدی تمایز قائل شد چرا به موجب ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، مجازات‌های ماده ۲۰ در مورد اشخاص حقوقی عمومی دولتی یا عمومی غیردولتی در مواردی اعمال حاکمیت اعمال نمی‌شود.

۴. نادر شکری (۱۳۹۱) در کتاب «بررسی نظم حاکم بر حقوق ورزشی» ورزش را به عنوان یک نهاد با خصوصیات بین المللی توسعه و یکی از ضروریات زندگی و یک پدیده اجتماعی پیچیده محسوب می‌داند و ورزشکاران عموماً با انگیزه‌های منتخب به سوی ورزش می‌آورند تا جایی که در بند ۳ از اصل قانون اساسی مقرر می‌دارد: دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم همه امکانات خود را برای امور زیر به کاربرد ۱ ... ۲ ... ۳. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه سطوح، بدین ترتیب قانون اساسی را مکلف نموده است تا همه امکانات خود را برای تربیت بدنی رایگان به کار گیرد.

۵. میرمحمدکاشف و مهدی شیدایی (۱۳۹۱) در کتاب «حقوق و اخلاق ورزشی» می‌نویسند: فلسفه حقوق به گفت و گوی درباره مبانی حقوق الزامی و ضروری بودن قوانین حقوقی و در نهایت به تمایز قوانین حقوقی اخلاقی و مذهبی می‌پردازد. افلاطون و ارسطو از قدمای فلسفه بودند و در زمینه‌های علوم مختلف نظریه‌های مهم فلسفی بیان داشته‌اند.

۶. کیوان شعبانی مقدم (۱۳۹۱) در کتاب «حقوق ورزش» می‌نویسد: امروز زنان و مردان ورزشکار به حقوق توجه زیادی دارند و انتظارات آن‌ها از حقوق نسبت به بیست سال قبل متفاوت است و قانون بر همه جنبه‌های ورزش، سازمان ورزشی، ورزشکاران، دست اندرکاران و تماشاچیان تأثیرگذار است. توسعه قانونگذار در حوزه‌هایی مانند حامیگری، حق پخش، بیمه ورزشی حفاظت کودک، حریم خصوصی و تبعیض با همراهی قوانین مدنی و کیفری، حتی بهترین شیوه‌های اداره سازمان ورزش را نیز به چالش می‌کشد.

۷. ابوالفضل فراهانی (۱۳۹۱) در کتاب «تخصصی تربیت بدنی و علوم حقوق ورزش» می‌نویسد: آسیب دیدگی ورزشکاران رویه‌های ورزشی امری اجتناب ناپذیر است، برخی از این حوادث ایجاد آسیب دیدگی ورزشکاران یا تماشاچیان یا نقص عضو و حتی در برخی از موارد فوت می‌شود. هر حادثه‌ای علتی دارد و علت مزبور می‌تواند مبنای ایجاد تقصیر باشد. هر حادثه‌ای کوتاهی مربیان و معلمان یا مدیران ورزشی در انجام وظیفه است که از نظر حقوق ورزشی می‌تواند مسئولیت زیادی برای آن‌ها ایجاد کند. مربیان ورزشی تعلیم و تمرین دادن ورزشکاران را به عهده دارند و به حسب وظیفه به گونه‌هایی از مسئولیت حقوقی در حیطه ورزش روبرو هستند.

۸. آرش غلامرضایی (۱۳۹۹) در کتاب «حقوق ورزشی» می‌نویسد: در یک تعریف کلی می‌توان گفت حقوق ورزشی عبارت است از حقوقی که به شرح وظایف تمامی افراد دخیل در امر ورزش و بررسی آن اعم از آئین نامه‌های داخلی و قوانین عادی پرداخته و ضمانت اجرای آن را معین و مشخص می‌کند و یا حقوق ورزشی شعبه‌ای از حقوق خصوصی است که بر روابط ورزش و مسئولیت و حوادث ناشی از آن که فی مابین ارگان، اردوهای ورزشی، باشگاه‌ها، ورزشکاران، مربیان، داوران و مسئولان باشگاهی ایجاد می‌گردد، حکومت می‌کند.

۹. ویدا عیسی پور (۱۳۹۲) در پایان نامه ارشد «سیاست جنایی تقنینی در خصوص جرایم و تخلفات ورزشی بانوان» می‌نویسد: مبنای سیاستگذاری در ورزش، موضوعی جدا از کلیت سیاست‌های یک نظام نیست. آنچه شالوده و اساس نظام یک حاکمیت است در کلیه پدیده‌های اجتماعی فرهنگی تأثیر می‌گذارد. انگیزه‌های قانونگذار از توجه به ورزش بانوان در وهله اول به خاطر نگاه ارزشمند مکتب اسلام به بانوان و چگونگی پرورش جسمی و روحی آنان است.

۱۰. منشور حیدری (۱۳۹۵) در مقاله «حقوق ورزشی در اسلام» می نویسد: آیات و روایات متعددی در اسلام درباره ورزش و وجوب آن وجود دارد و نمایانگر دیدگاه شریعت در خصوص ورزش است. به موازات این منابع، فقها درباره مسئولیت‌های حقوقی ناشی از حوادث ورزشی نظارت پرمحتوی و مستحکمی را دارند. در مبسوط، محمدبن ادریس حلی در سرائر، محقق حلی در شرایع الاسلام، علامه حلی در قواعد الاحکام، فاضل هندی در کشف الشام و شیخ محمدحسن نجفی در جواهرالکلام هستند. البته با توجه به محدودیت‌های رشته‌های ورزشی در گذشته که منحصر به تیراندازی، شنا، اسب دوانی بود، فتاوی نیز از نظر کمی محدود است اما به لحاظ کیفی قابل استناد در اغلب رشته‌های ورزشی است و اینجانب خود را مقید دانسته تجربیات ۵۲ ساله ورزشی خود که شامل قهرمان‌های متعدد کشوری و قهرمانی‌های جهانی ۷۱۰۲ در کشور روسیه و به عنوان نماینده حقوقدان و ورزشکار و تنها نماینده حقوقی و ورزشی بین‌المللی با مشارکت اعضای دادگاه CAS سخنرانی بین‌المللی داشته باشم، در اختیار مشتاقان علم و معرفت ورزش و حقوق قرار دهم.

مفاهیم و متغیرهای تحقیق

سیاست جنایی اسلام

استاد دلماس مارتی صاحب‌نظر نامدار جنایی در کتاب نظام‌های بزرگ سیاست جنایی با الهام از مدل‌های رایج در زبان‌شناسی مدرن، گونه‌های موجود سیاست جنایی را تقسیم‌بندی کرده و به لحاظ روش‌شناسی فصل جدیدی را در مطالعات مربوط به سیاست جنایی گشوده است. بی‌گمان، ابداع این شیوه به سیاست جنایی و دیگر علوم جنایی وابسته به آن غنای ویژه‌ای خواهد بخشید. در این اثر ارزشمند، انواع سیاست جنایی با رویکردهای مختلفی که نسبت به سه ارزش آزادی، برابری و قدرت وجود دارد، تقسیم شده است. مدل‌های اصلی سیاست جنایی عبارتند از مدل دولت جامعه‌ای لیبرال، مدل دولت اقتدارگر، مدل دولت اقتدارگرایی فراگیر و مدل‌های جامعی که خود این دسته‌دربگیرنده مدل جامعه خودگردان و مدل آنارشیزم است. در مواردی متعدد این اندیشه سیاست جنایی اسلام را نوع اقتدارگری فراگیر (توتالیتر) دانسته است (نجفی، ۱۳۹۲: ۱۱۷۷). یعنی در این روش سرکوب‌گری تأکید می‌شود و مفهوم جرم با بکارگیری روش‌های حقوقی گوناگون از جمله قیاس در امور کیفری و بی‌توجهی به اصل قانون بوده جرم مجازات حذف فرض بی‌گناهی، استفاده از شکنجه برای گرفتن اقرار و حتی اعدام‌های بی‌محاکمه گسترش می‌یابد. در این مدل، نهادهای قانونگذاری به شیوه‌های سیاسی، حقوقی و قضایی تضعیف شده و نوعی برتری تام بر قوه مجریه وجود دارد. ولی آموزه‌های اسلامی مرتبط با طرح‌ریزی یک مدل سیاست جنایی را به گوشه‌ای دیگر نیز می‌توان فهم و تفسیر کرد. مدل دولت اسلامی به مدلی که بر رهبری فره‌مند و فراقانونی مبتنی باشد، منحصر نیست. تفسیرهای گوناگونی از نظریه دولت اسلام وجود دارد که برخی از آن‌ها به مدل لیبرال نزدیک‌تر است تا به مدل توتالیتر. در متون دینی بر برخی از لوازم این اصل مانند استقلال دادرسی و نهادهای قضایی تأکید شده است که با این وجود تأکید آموزه‌های اسلامی بر ترویج فضیلت و گسترش اخلاق مسئولیت، جرم و گناه یکسان نیست. امر به معروف و نهی از منکر به معنای تجویز فشار و تحمل یکسان زندگی کردن بر شهروندان نیست. چون آموزه‌های اسلامی نه تنها مولفه‌ها و رکن‌های یک مدل اقتدارگرایی فراگیر را تأیید نمی‌کنند، کلیه آن‌ها را نهی نیز می‌کنند. قرار دادن مدل سیاست جنایی اسلام جزء مدل دولت اقتدارگرایی فراگیر فاقد دلایل علمی است.

پاورلیفتینگ

پاورلیفتینگ از ورزشی به نام Odd Lifts اقتباس شده است که آن هم شامل سه نوبت برای ثبت بهترین وزنه‌ها بوده است. پاورلیفتینگ یا وزنه‌برداری قدرتی یک ورزش قدرتی است که شباهتهایی با ورزش وزنه‌برداری دارد. هر دو شامل بلندکردن وزنه در سه تلاش هستند. اولین پاورلیفتینگ به طور غیر رسمی در سال ۱۹۵۰ میلادی در آمریکا و انگلستان شروع به کار کرده که البته شامل جلو بازو با هالتر، پرس سینه و اسکوات بوده که بعد از سال ۱۹۷۳ فدراسیون بین‌المللی پاورلیفتینگ تاسیس و تعداد زیادی از کشورها به عضویت این فدراسیون درآمدند. اولین مسافه جهانی در سال ۱۹۷۱ در آمریکا برگزار شد. در ایران در سال ۱۳۷۵ زیر نظر فدراسیون وزنه‌برداری شروع به فعالیت نمود و در سال ۱۳۷۵ با تشکیل مسابقات کوری در شهرستان اراک با حمایت و شناسایی فدراسیون وزنه‌برداری تنظیم مسابقات می‌نمود تا سال ۱۳۸۳ با تصویب سازمان تربیت‌بدنی از وزنه‌برداری جدا و یک فدراسیون مستقل به نام فدراسیون پرورش اندام و پاورلیفتینگ تشکیل شده که هم اکنون نیز ادامه دارد.

پاورلیفتینگ که ورزش کاملاً قدرتی است که از سه حرکت اسکوات، دد لیفت، پرس سینه تشکیل شده است. پاورلیفتینگ می‌تواند با تجهیزات و بدون تجهیزات باشد که با سبک بدون تجهیزات، یعنی بدون لوازم به نام کلاسیک (Classic) شناخته می‌شود، و سبک با تجهیزات (equipped) که شامل سوت اسکوات، سوت پرس سینه و زانوبند می‌شود که هر کدام از این حرکات در سه نوبت همانند وزنه‌برداری مسابقه داده می‌شود که انواع خطاهای ورزشی نیز در آن برآورد می‌شود.

مهم‌ترین مسابقات جهانی این رشته در کشورهای آمریکا، روسیه، آفریقای جنوبی و کانادا برگزار می‌گردد. مسابقات پرس سینه که از حرکات پاورلیفتینگ می‌باشد در سال ۱۹۸۴ به طور خصوصی و به عنوان یک رشته از پاورلیفتینگ در این ورزش گنجانده شده است که متأسفانه این ورزش در رشته‌های المپیک شناخته شده نیست. با توجه به اینکه رده‌بندی سنی به نظر هر فدراسیون به صورت مختلف برگزار می‌شود، اما به طور عمده بدین گونه است:

نوجوانان: ۱۵ تا ۱۸ سال

جوانان: ۱۸ تا ۲۳ سال

بزرگسالان: هر سنی می‌تواند در آن شرکت کند حتی مسترها

پیشکسوتان: از ۴۰ سال به بالا که به مستر ۱، مستر ۲، مستر ۳، مستر ۴، تشکیل می‌شود.

قاعده نفی ضرر

قاعده لاضرر از جمله قواعد مورد پذیرش فریقین است فقه‌های شیعه و سنی در بسیاری از ابواب فقهی به آن استناد جسته آمد (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵: ۱۰)، (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۱-۳۲). بزرگان فقه قاعده لاضرر را در ضمن قواعد عام فقهی آورده‌اند. در حقیقت شارع با قاعده لاضرر اعلام می‌دارد که حکمی که موجب ضرر است در شریعت و دین وضع نگردیده خواه حکم وضعی باشد یا تکلیفی (مشکینی، ۱۴۱۶: ۳۰۲). بنابراین باید گفت تمام ورزش‌ها علی‌الخصوص پاورلیفتینگ ممکن است با صدمات بدنی و جمعی همراه باشد، در حالیکه در نفس ورزش مصلحت‌های بالاتری وجود دارد که در مواردی باید احتمال ضرر را با توجه به مصلحت‌های آن قبول و از آن صرف نظر کرد. چون نوعی «تحدیر» و «قاعده اقدام» است و از هشداردهنده ورزش محذر زمانی رفع مسئولیت وبری‌الذمه می‌شود که هشدار گیرنده ورزشی محذر با وصف علم و آگاهی، خویشتن را در معرض خطر واسیل قرار دهد (وحدیدی‌صدر، ۱۳۹۹: ۵۰۱). این موضوع در بند «ث» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی تحت عنوان حوادث ناشی از عملیات ورزشی قانونمند شده است یعنی شروطی برای عدم ضمان تا شروط در ذمه بودن ضمان اشخاص موثر واقع شود. یعنی اینکه حادثه و آسیب‌دیدگی در فعالیت ورزشی پاورلیفتینگ با چهار شرط جرم نخواهد بود، آسیب‌دیدگی در ورزش رخ دهد، آسیب از ناحیه ورزشکاری بر ورزشکار دیگر ایراد شده باشد، آسیب و صدمه در اثر انجام فعالیت ورزشی باشد و اصل آن ورزش و قوانین از نظر شرع مجاز و مورد قبول باشد. یکی از دلایلی که می‌توان برای اثبات وظیفه‌مندی حاکمیت دینی در قبال ورزشی از آن بهره برد قاعده لازم میان حکم عقل و حکم شرع است. به اعتقاد دست‌اندرکاران تربیت بدنی و بسیاری از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان تربیت بدنی، ورزش تنها یک وسیله تفریح نیست بلکه به عنوان ابزار آموزشی و تربیتی آثار روانی اجتماعی فراوانی را به دنبال دارد که این اهداف در توان اجتماعی و شکل‌پذیری شخصیت افراد نقش بسزایی دارد. مثلاً در بعد جسمانی می‌توان به آثاری چون کاهش ضربان قلب در حال استراحت، آمادگی قلبی عروقی، کاهش وزن، کاهش چربی و فشار خون، و در بعد روانی به فوایدی چون کاهش اضطراب، استرس، افسردگی و پرخاشگری، افزایش اعتماد به نفس و عزت نفس و افزایش شادابی و طراوت اشاره کرد. بنابراین مقاومت در برابر امراض گوناگون بیشتر می‌شود و بدین ترتیب شخص ورزشکار کمتر بیمار می‌شود، و در صورت بیمار شدن زودتر بهبود می‌یابد. با این همه در مسائل مستحدثه مقوله ورزش حکم و تنصیب مستقیمی در کتاب سنت نمی‌توان یافت فقط می‌توان از قواعد عام فقهی برای احکام حکومتی بهره جست. قواعد فقهی عبارتند از دستورهای کلی فقهی که در بخش‌های گوناگون راه دارند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۷۱).

جرم و تخلف ورزشی

قانونگذار ورزش را به دلیل موضوعیتی که دارد مورد حمایت قرار داده است اما افتراق به عنوان مباحث ورزش خصوصاً جرایم ورزش، این شائبه را ایجاد می‌کند که آیا قانون‌گذار نسبت به جرایم ورزشی مقرراتی در نظر گرفته است؟ یا اینکه باید عمومیت قانون را در نظر گرفت؟ مثل ماده یک قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ «هر فردی بدون مجوز قانون به طور عمد یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامت یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد شده است، لطمه وارد آورد که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول خسارت ناشی از عمل خود است». آنچه مسلم است جرایم حادث شده در امور ورزش نسبت به حوادث دیگر نه از لحاظ ماهیتی صرف، بلکه از جنبه شکلی گاهی حتی ماهیتی کاملاً متفاوت است. تا قبل از ۱۳۵۲ هیچ پیامی در خصوص جرایم ورزشی وجود نداشت. اربابان حرفه حقوق در هر مجازاتی مصداقی را در مورد تخلفات ورزشی در نظر می‌گرفتند و تمایزی فی مابین جرایم به وجود آمده قائل نبودند. اما از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۹۲ قانون‌گذار به طور اختصاصی نه اختصاص نیم‌نگاهی به جرایم ورزشی داشته و در بند ۱۵۸ ماده قانون مجازات اسلامی در خصوص عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن مقرراتی را وضع کرده است. مصادیق که در این ماده قانون به کار گرفته شده است، مواردی است عمومی که نباید مغایر با شرع باشد که منظور از شرع یعنی اعم از قانون، مفهوم شرع در ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی اعم از قانون است چه اصلاً اعتبار قوانین موکول به عدم مغایرت آن‌ها با شرع باشد (گلدوزیان، ۱۳۹۲: ۹۵). متأسفانه قانون، مقررات حاکم بر آن مسابقه یا عملیات که مخالف موازین شرعی نباشد را اعلام کرده اما قانون مجازات اسلامی تعریف یا مصادیق موازین شرعی را مشخص کرده است (صالح ولییدی، ۱۳۹۲: ۹۳). بنابراین قاضی دادگاه خروجی ندارد مگر اینکه نوع عملیات و مسابقات ورزشی را بشناسد و حکم صادر کند که این امر با توجه به عدم افتراق بودن قوانین کیفری و قوانین ورزشی به سادگی میسر نمی‌باشد. با توجه به شرایط در نظر گرفته شده می‌توان تعریف جرم و تخلف ورزش را از آئین‌نامه انضباطی مصوب ۱۳۷۴ سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی که در چهارچوب ماده ۲ قانون مجازات اسلامی تبیین شده است، باید گفت «انجام دادن یا ترک فعلی که از سوی اشخاص ورزشی بر خلاف موازین قانونی و شرعی و مقررات ورزشی به منظور برهم زدن نظم و نظامات بر آن افعال مجاز است تعیین گردیده است»، محکوم کرد.

جلوه‌های سیاست جنایی تقنینی ایران در برابر جرایم ورزشی

۱. عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن.

۲. حوادث ورزشی سبب نقض مقررات ورزشی شود.

۳. مقررات مغایر با موازین شرعی باشد.

۴. عدم مسئولیت عملیات ورزشی

۵. تخلف ورزشی شخصی

۶. تقصیر ورزشی فنی

۱- عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن

اعمال، جمع عمل در فرهنگ معین به معنی کارها، کرده‌ها، شغل و پیشه شده است و عملیات یک مفهوم کلی را دربرمی‌گیرد. یعنی عملیات ورزشی برای ورزشکاران شامل آن اعمال و کارهایی که صرف ورزش نامیده می‌شود و ورزشکار برای رسیدن به آن سخت می‌کوشند و در مقایسه با هم‌امور و رقیب خود باید آن اعمال و کردار ورزشی را رعایت کند و از طرفی هم عملیات ورزشی برای یک مربی یا داور یا مسئولین برگزار کننده و غیر آن شغل و پیشه‌ای است که صرفاً باید به عنوان عملیات ورزشی مراعات شود. چون عملیات ورزشی یک معنی کاملاً ورزشی است نه حقوقی برای ورزشکار آن حرکات خاص بدنی. تقویت جسم و تعادل دل و روح و نهایتاً حس برترجویی نسبت به رقیب می‌باشد و برای یک داور یا مربی آن شغل و پیشه ورزش است که هدف نهایی آن‌ها تعلیم و قضاوت وجود آورنده امکانات ورزشی در حین کسب در آمد و منفعت و اعتبار ورزش است. اما حادثه به معنی اتفاق، آنچه که پدید می‌آید یعنی آن اتفاق یا اتفاقات ناگواری که در خلال جریانات ورزشی پدید می‌آید و گاهاً عواقب دردناکی چون زخم، جرح، شکستگی، قطع عضو - فلجی و برخی موارد هم متأسفانه فوتی به همراه دارد. مقنن با وضع این مقررات

حامل پیامی است برای ورزشکار و غیر ورزشکار که در حیطه آن عملیات مشارکت دارند تا این اشخاص نسبت به موقعیت حاضر در خود آگاهی داشته باشند.

۲- حوادث ورزشی سبب نقض مقررات ورزش می‌شود

اولین عملیاتی که به یک ورزش رسمیت می‌بخشد و آن را داخل در اعتبارات ورزش قلمداد می‌کند قانون آن ورزش می‌باشد. قانون هر ورزش اعتبار و قدرت آن ورزش محسوب می‌شود حتی ورزشهایی مثل کشتی کج به علت خشونت غیرقابل تحمل در خیلی از کشورها به عنوان یک ورزش به رسمیت شناخته نشده است، هم از یک قانون پیروی می‌کند از تم یا آهنگ ورود افراد به رینگ مسابقه، تا حضور داور با شروع و پایان آن قانونمندند. علت اصلی وضع قوانین خاصی در هر ورزش اول محدود کردن بعضی از حرکات و اعمالی که با شئون ورزشی مغایرت دارد می‌باشد. اعم از کاستن جرایم و خطرات احتمالی که ممکن است بوقوع بپیوندد جلوگیری به عمل آید. مثلاً وقتی یک ورزشکار کشتی وارد مسابقه می‌شود، اصل بر این است که از مقررات و آیین‌نامه مربوط به آن ورزش اطلاعات کامل را دارا است. حال اگر همین کشتی‌گیر در حین سرشاخ شدن با رقیب از دست‌های خود بجای استفاده از فنون کشتی مشت به سر و صورت و بدن حریف وارد کند یقیناً متخلف محسوب و در صورتی که بروز حادثه‌ای هم شده باشد، مسئول می‌باشد، زیرا قانون ورزش کشتی را رعایت نکرده و از قانون ورزش‌های رزمی در ورزش خاص کشتی پیروی کرده است و این مورد قبول قانون کشتی نمی‌باشد. این ظرافت تا آنجایی اهمیت دارد که قرارگیری یک کشتی‌گیر فرنگی کار در هنگام کشتی با رقیب خود از فنون کشتی آزاد استفاده می‌کند و حتی بدون قصد هم باشد و مسبب صدماتی گردد، مسئول شناخته می‌شود، چون اصل بر اطلاع قانون است و حمل آن رافع مسئولیت نمی‌باشد.

حال اگر در یک مسابقه بوکس که تقریباً نوعی از خشونت در آن متصور است، مسابقه دهندگان ضرباتی هولناک به همدیگر رد و بدل نمایند، هر چند این ضربات حاوی قصد و کینه هم باشد، قانون آن مسابقه تلقی می‌شود؛ نه تنها از دیدگاه عموم قبیح نمی‌باشد، حتی مورد تشویق هم قرار می‌گیرد، مگر اینکه ضربه‌ای خارج از چهارچوب مقررات مثلاً بعد از اینکه زنگ مسابقه جهت استراحت نواخته شد، ضربه‌ای رد و بدل شود که مشمول مجازات قرار خواهند گرفت.

۳- مقررات مغایر با موازین شرعی باشد

در تبیین بین نظام‌های لائیک مذهبی (در واقع تفاوت قوانین کیفری این کشورها روشن می‌سازد) و نظام ایران نظام شرعی نیست بلکه نظامی قانونی منطبق با شرع است، از این انطباق همه قوانین با شرع ضرورتی ندارد، بلکه صرفاً موارد مغایر با شرع باید کنار گذاشته شود، چون در دین اسلام اصل بر اباحه است، مگر آن که دلیلی برخلاف آن رسیده باشد. به عبارتی ما مصالح و مفاسد شارع را به طور کامل نمی‌دانیم و همین قدر که در قانون از عبارات و مفاهیمی استفاده شود که عدم مغایرت شرعی را برساند، به تکلیف عمل کرده‌ایم به همان قدر به متقین باید اکتفا کرد (کوشا، ۱۳۹۲: ۶۳۸). بنابراین اینکه کدام یک از ورزش‌ها مجاز است و کدام یک غیر مجاز، باید مغایرت آن را با شرع مقایسه کنیم. به طور کلی ورزش‌هایی که باعث ایذاء نفس یا ایذاء رقیب می‌باشد، غیر مجاز و ورزش‌هایی که به طور کلی باعث سودمندی است، مجاز شناخته می‌شود. هر چند امروز به دلیل پیشرفتی که در سبک و نمایش برخی از بازی‌ها و ورزش‌ها به وجود آمده یا در حال پیشرفت است کمتر ورزشی را می‌توان یافت که باعث ایذاء نفس خود یا غیر باشد. مثل شمشیربازی که در گذشته به صورت سنتی و برنده بودن آن باعث آسیب و صدمه می‌شده، اما امروز با داشتن کلاه و جلیقه و وسایل ایمنی حتی کمترین خطر را احتمال نمی‌دهد و بخاطر شرایط ویژه آن جزء ورزش‌های المپیکی محسوب می‌شود.

۴- عدم مسئولیت عملیات ورزشی

با توجه به حذف عبارت «جرم محسوب نمی‌شود» در قانون مصوب ۱۳۷۰ به جای آن «قابل مجازات نیست» در قانون فعلی، شاید این ابهام را ایجاد کند که چرا قانون سابق که صراحت در عمل موجهه جرم داشته اینک با شک و تردیدی روبه‌رو است. آیا در صورت بروز حوادث ورزشی در چارچوب قانون، خاطی صرفاً رافع مسئولیت کیفری در خصوص خسارات وارده همچنان مسئول شناخته می‌شود؟ به نظر می‌رسد «مجازات نمی‌شود» یک عبارت عام است، هم شامل مجازات است و هم شامل خسارت وارده، یعنی همه علل موجهه جرم، اولاً با نگاهی گذرا به ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی که همین شرایط نیز استوار است در تبصره ۳ ماده ۱۵۶ سقوط دیه را در دفاع مشروع با توجه به دوماهیتی بودن دیه به

عنوان مجازات و خسارات پذیرفته است و صدمات ورزشی که در مقیاس قانون اتفاق بیفتد و مغایرتی با شرع هم نداشته باشد، در واقع نوعی مشروع بودن آن است و چون مشروع می‌باشد، لذا خسارت آن منتفی و در صورت لزوم از بیت المال تأدیه خواهد شد (ردبیلی، ۱۳۹۲: ۱۲۸). ثانیاً ماده ۱۵ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۷ اردیبهشت سال ۱۳۳۹ نیز در صورت دفاع مشروع هرگونه پرداخت خسارت را نسبت به متعددی مسئول غیرموجه می‌داند. ثالثاً این رفتار طبق قانون جرم محسوب می‌شود، اما به وجود شرایطی که مقنن برای آن در نظر گرفته به دلیل زوال عنصر قانونی جرم از علل موجهه جرم محسوب می‌شود. همانند مجنونی که مرتکب جرم می‌شود و قانونگذار آن عملی که مجنون انجام داده جرم می‌داند، اما با توجه به شرایط منحصره در فرد مجنون با زوال عنصر قانونی جرم مجرمیت وی ساقط به علل موجه تبدیل می‌شود و نتیجه اینکه در صورت اجتماع شرایطی قانونی بودن عملیات ورزش مراعات شده باشد و حوادث پیش آمده هم مغایر با شرع نباشد هم مجازات و هم خسارات احتمالی منتفی می‌باشد.

گاهی توسط ورزشکاران و گاهی توسط داوران، مربیان، مسئولین ورزشی و غیره به صورت سهوی و یا عمدی به وجود می‌آید که این اتفاقات می‌تواند به دو دسته تقصیر یا تخلف ورزشی تقسیم‌بندی شود: ۱. تخلفات ورزشی شخصی ۲. فنی

۵- تخلفات ورزشی شخصی

طبق تعریف آئین‌نامه انضباطی‌تست از اعمالی که قائم به افعال شخصی بوده و در نتیجه نقض مقررات ورزشی به صورت عمدی و به قصد احراز صورت می‌پذیرد و دارای مجازات خاص بوده و در کمیته‌های انضباطی و محاکم بر آن مجازات تعیین شده است. مثلاً استفاده کردن از مواد نیروزا و تحرک و به دست آوردن قدرت و توان فیزیکی.

۶- تقصیرات ورزشی فنی

عبارت است از اعمالی که در حین عملیات ورزشی ناشی از خطا و نقض مقررات آن ورزش و یا تعدی و تفریط اشخاص در حین عملیات ورزشی صورت می‌پذیرد و چنانچه تعمیرات فنی نقض مقررات قانونی نباشد، قابل مجازات نیست. مثلاً در حرکت ددلیفت در ورزش پاورلیفتینگ در حین مسابقه زمانی که ورزشکار لیفت را انجام می‌دهد، برگرداندن لیفت به جای خود حتماً باید به فرمان داور صورت پذیرد. اگر ورزشکاری پس از دستور داور مسابقه با خشم وزنه را به طرف زمین فرود آورد اما دست‌های وی همچنان از میله جدا نشود، هر چند کاری شایسته نمی‌باشد، لازمه اثر این است که به صورت آهسته انجام دهد. اما در این صورت، نقض فنی محسوب نبوده و لیفت انجام شده مورد قبول است. اما هر چند سنگین‌ترین لیفت را انجام داده باشد، بعد از فرمان داور وزنه را جهت پایین آورد، ول کند، نقض فنی و لیفت انجام شده مردود اعلام می‌شود و اگر در این کار سوء نیت نسبت به داور یا فرد خاصی داشته باشد، عمل وی مستوجب مجازات انضباطی خواهد بود.

حال با توجه به مراتب فوق اعمال و رفتاری که به موجب ماده ۱۵ آئین‌نامه انضباطی مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۸ به عنوان تقصیرات و تخلفات ورزشی شمرده می‌شود، عیناً ذکر می‌گردد:

۱. رفتار خارج از مباحات اسلامی ۲. نقض قوانین و مقررات و شرایط فنی و ورزشی که ناشی از مقررات و آئین‌نامه فنی، بی‌احتیاطی - مسامحه و سهل‌انگاری می‌باشد. ۳. تمرد از اجرای دستورات مقام قانونی ۴. اهانت، تهمت، فحاشی، تهدید و تطمیع، نشر اکاذیب، رفتار و تشویق نامناسب و تظاهر به اعمال غیراخلاقی و هرگونه اعمالی که در حیطه تقصیرات شخصی متصور است. ۵. برخورد نامناسب با افراد تیم‌های خودی یا رقیب ۶. عدم رعایت مقررات میزبانی در خصوص تیم‌های مهمان و ایجاد ضرر و زیان به برگزاری یا درگیری ۷. اعتراض به داور و حریف به نحوی که موجب تحریک تماشاگران شود یا اعمالی که ضررهای مادی یا معنوی را که برداشته باشد ۸. دعوی و ایجاد درگیری و نزاع به قصد تشویق اذهان عمومی و ایجاد خسارت. ۹. اعمال انواع دوپینگ ۱۰. تشویق و ارائه طریق برای انجام دوپینگ (معاونت) ۱۱. عدم حضور یا حضور ناشایست و غیر متعهدانه در تمرینات و مسابقات تیم‌های باشگاهی، منتخب با ملی در صورت دعوت با اراده شخصی و یا به دستور باشگاه مربوطه ۱۲. ارائه اسناد جعلی، جعل عنوان، جعل اسناد و جعل امضاء ۱۳. ایجاد وقفه به منظور ایجاد مزاحمت در برنامه‌های ورزشی ۱۴. انجام هر امری که با قوانین و مقررات فنی و جاری سازمان تربیت بدنی و فدراسیون مربوطه مغایرت داشته باشد. ۱۵. محکوم شدن به جرایم کیفری مؤثر و قطعی شدن حکم.

چالش های سیاست جنایی فقهی پیشگیرانه نسبت به جرایم و تخلفات ورزشی

در سال های اخیر رشته پاورلیفینگ از هدف ورزشی برای سلامت جسم و گذران اوقات فراغت خارج شد و به جای اینکه محلی باشد، برای انجام رقابت های عاری از خشونت، گاه خود دستخوش خشونت و بی نظمی و فساد و درگیری هایی شده است. در این راستا آمارهای موجود در زمینه شیوع این پدیده نابهنجار در ورزش حاکی از آن است که حقوق کیفری برای مقابله با این پدیده با چالش هایی مواجه است که نمی تواند از تمام توان و ابزارهای خود جهت مقابله با خشونت، فساد و درگیری ها در ورزش استفاده کند (جعفری، ۱۳۹۲: ۲).

تعریف رفتار فسادآمیز وابسته به قوانین ورزشی و نگرش جامعه است. تا جایی که سیاست جنایی ورزش در روند شکل گیری، تحول و تکامل خود همواره تحت تأثیر اندیشه های بنیادی و یافته های دانش های دیگری همچون فلسفه (تمرکز در ورزش)، جامعه شناسی، جرم شناسی و ... قرار گرفته و در حال حاضر نیز متأثر از همین یافته ها مسیر تکاملی خود را پشت سر می گذارد. با این حال که سیاست جنایی امروزی علی رغم تمام پیشرفت های نظری و عملی که در درون خود تجربه نموده است، با رفتارهای مجرمانه ورزشی با چالش های جدی مواجه می باشد.

یکی از مهم ترین قلمروهای چالش سیاست جنایی، جرایم ورزشی است که امروزه در جرم شناسی تحت عنوان «جرایم ورزشی بدون بزه دیده» شناخته می شوند، مثل اعتیاد به مصرف الکل به مواد مخدر یا مصرف مواد محرک، جرایمی هستند که هیچ بزه دیده معینی ندارد و از اعمالی تشکیل شده اند که به خاطر زیر پا نهادن قواعد اخلاقی، غیرقانونی شناخته شده اند. هرچند به نظر بسیاری دیگر، خصوصاً جرم شناسان بزه دیده شناس، این جرایم بدون بزه دیده محسوب می شوند. صرف نظر از این اختلاف، تردیدی نیست که این دسته از جرایم دارای ماهیت و ویژگی های خاصی هستند که بسیاری جهات آن ها را از جرایم دارای بزه دیده مستقیم، متمایز می کند.

به نظر می رسد که وقت آن رسیده است که از یک سو کارنامه سیاست جنایی نوین در مرحله مختلف فرآیند کیفری و نیز در قلمرو نظارت و کنترل (تامینی - پیشگیرانه) به طور گسترده تر ارزیابی و مشخص شود و از سویی دیگر سیاست ها و امکانات اصلاحی - درمانی بزه کاران در عصر سیاست جنایی نوین مورد مطالعه قرار گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۷۵۰)، تا با اطلاع و آگاهی ورزشکاران از وقوع حوادث احتمالی مربوط به ورزش های مورد نظرشان در پیشگیری از بزه کاری موثر باشد. اگر سطح اطلاعات ورزشکاران درباره وقایع و حوادث، علل بروز این حوادث، وسایل مبارزه علیه آن و استفاده از امکانات ایمنی جهت پیشگیری از اینگونه حوادث بالاتر رود، پیشگیری از جرم بهتر تامین خواهد شد. سیاست جنایی توأم با شرکت وسیع جامعه ورزشی، یعنی در نظر گرفتن آثار ضرورت حمایتی، ایجاد اهرم های تقویتی به غیر از قوه قضائیه به منظور اعتبار بخشیدن بیشتر به یک طرح سیاست جنایی است که به وسیله قوه مجریه و مقننه تهیه و تدوین گردد. شرکت دادن فدراسیون های ورزشی و کلیه ورزشکاران در سیاست جنایی، افزون بر رفع نگرانی مشروع در جهت بالابردن کارایی آن، بدین معنی است که امروزه پیشگیری و سرکوبی بزه کاری از جمله اموری اند که به افراد جامعه مربوط می شوند. استفاده از قدرت فدراسیون های ورزشی، هیأت ها، باشگاه ها و رسانه های گروهی در ایجاد توافق و هماهنگی درباره اتخاذ سیاست جنایی مناسب، در این زمینه ضروری است.

به زعم مدل های دولتی سیاست جنایی که کنترل بزه کاری و بزه کاران عمدتاً از حاکمیت - قوای مقننه و اجرائیه - محسوب می شوند، در مدل های سیاست جنایی مرتبط با جامعه، مردم به جهات مختلف، چه سازمان یافته و چه غیر سازمان یافته به واکنش علیه پدیده مجرمانه و ترمیم آثار آن اقدام می کنند (کریستین لازرژ، ۱۳۷۵: ۱۷). در این خصوص نقش ورزشکاران در جلوگیری از جرایم ناشی از حوادث ورزشی و تامین امنیت در کنار سایر ابزارهای رسمی دولت، یکی از جلوه های مشارکت مردم در جامعه است که عالمان حقوق با تفکرات علمی باید راه ورزشکاران را بازگشایی کنند.

هرکس به فراخور برداشت خود از وضع موجود، توصیفی از خود ارائه می کند و ساختاری را پیش چشمان اهالی حق و حقوق به تصویر می کشد. گاه این تحلیل ها با علم و مفهوم سیاست جنایی است و گاه بدون آن، و این به یک مسئله متداول تبدیل شده که حتی در زبان بزرگان حقوق قضایی، تفاوت میان سیاست جنایی و سیاست کیفری دانسته نشود. جالب آن که برداشت ها و مدل های ارائه شده از سیاست جنایی جمهوری اسلامی در گستره ورزش، گاهاً چنان در تناقض جدی هستند که یکی از فقهی و اسلامی بودن نظام کیفری می زند و ساختار قضایی کشور را منطبق با یافته های فقهی و شرعی توصیف می کند و از سوی دیگر، سایر زمینه های حقوقی و قانونی را در نظام ایران محور اصلی می داند و سیستم کیفری دستگاه قضایی را دارای ریشه های مدرن با ظاهر اسلامی دارد که هر قدر محتوی اسلامی در آن ریخته شود باز هم همان

ضوابط حقوقی بر آن حاکم است. در حالی که جرایم ورزشی به گونه‌ای تنگاتنگ با فرهنگ و آداب و رسوم و نهادهای کشور مرتبط است. در حقیقت می‌بایست، نقش قانون‌گذار کیفری را در برخی از زمینه‌های معین محدود ساخت. چون در خصوص وقایع و حوادث ورزش، جرم‌سازی کیفری می‌تواند بی‌فایده و حتی مضر باشد. برای اینکه بزه پدیده اجتماعی و فرهنگی است و حذف تحلیل آن نیز به اندازه گستردگی عوامل و علل وقوع آن، ابزارهای کار مناسب را می‌طلبد و مداخله دولت صرفاً نمی‌تواند اثربخشی بسیاری داشته باشد (نادر شکری، ۱۳۹۲: ۱۶۵).

خارج از اینکه عده‌ای مقابله با جرایم ورزشی در ایران را نظامی سرکوبگر می‌خوانند و برای اثبات مدعای خود به طرح‌های ارتقای امنیت اجتماعی که هر از چند سال با شور و هیجان اجرا می‌شود، استناد می‌کنند و از سوی دیگر، برخی مدعی رویکرد اصلاحی و درمانی هستند، تأیید ادعای خود را به سیاست جنایی ایران همراه با رگه‌های اجتماعی جدید به کاهش حبس اشاره می‌کنند.

واقعیت آن است که همه این برداشت‌ها و گمانه پرانی‌ها، هم زمان هم در اوج صحت‌اند و هم در قعر بطلان، حقیقت آن است که مبانی نظام قضایی ایران هم فقهی است و هم حقوقی، هم سرکوبگر است و هم اصلاح‌گر، امری است بین بینایی. چون ظاهراً، دستگاه‌ها می‌توانند آموزش‌های لازم را جهت تأمین امنیت در ورزش ارائه نمایند و توصیه‌های خود را به صورت مکتوب در اختیار ورزشکاران بگذارند. در این خصوص نقش رادیو و تلویزیون و مطبوعات حائز اهمیت است. همچنین فدراسیون‌های ورزشی و کمیته انضباطی مربوطه در برخی از اقدامات به منظور جلوگیری از تجدید موقعیت‌های ارتکاب جرم، می‌تواند مداخله کند، ولی این حضور صرفاً کافی نیست و نیاز به همکاری سایر مراجع ذیصلاح دارد.

نتیجه‌گیری

جامعه به نوعی گرایش‌ها و تمایلات مادی و معنوی خود را در یک فرآیند متناسب طراحی کرده و رسالت سیاست جنایی فقهی در هر جامعه در واقع تضمین امنیت جانی، مالی، حیثیتی شهروندان از یک سو و تأمین امنیت نهادهای عمومی از سوی دیگر است.

سیاست جنایی فقهی به دنبال حفظ یکپارچگی و انسجام جامعه و استمرار بخشیدن به نظم عمومی است. با توجه به اینکه ایران در دنیا یک قطب ورزشی فعال در عرصه‌های مختلف محسوب می‌شود، مبارزه و کنترل جرایم ورزشی نیازمند وضع سیاست جنایی متناسب است، چون تخصیص بودجه و نیروی انسانی در توسعه ورزش پاورلیفتینگ امری است ضروری، تا ضامن گسترش ورزش باشد و از طرفی نظارت بر باشگاه‌های ورزشی به ویژه باشگاه‌های بدنسازی، آمار تخلفات را کاهش می‌دهد. در حالی که مسئولین به بهانه کمبود پرسنل و یا دلایل دیگر از بازدید و نظارت مستمر غافلند. در حالی که اگر اجرای قوانین به درستی صورت پذیرد، نه تنها تخلفات به طور قطع کاهش پیدا می‌کند، بلکه نقش ورزشکاران در جلوگیری و پیشگیری از جرایم ناشی از حوادث ورزشی و تأمین امنیت در کنار سایر ابزارهای رسمی دولت، یکی از جلوه‌های مشارکت مردم در جامعه مدنی می‌باشد که سیاست جنایی مشارکتی، سیاست جنایی توأم با شرکت وسیع جامعه ورزش است. یعنی در نظر گرفتن آثار ضرورت حمایتی، ایجاد اهرم‌های تقویتی به غیر از قوه قضائیه به منظور اعتبار بخشیدن بیشتر به یک طرح سیاسی جنایی است که به وسیله قوه مجریه و مقننه تهیه و تدوین می‌گردد.

متأسفانه از بررسی‌های به عمل آمده در خصوص باشگاه‌هایی که غیرقانونی تأسیس شده و یا عملیات غیر قانونی انجام می‌دهند، بیشترین جرایم و تخلفات ورزشی در آن‌ها مستتر است، شاید سهولت در تأسیس باشگاه‌های ورزشی یکی از این موارد باشد. تأسیس باشگاه‌های ورزشی تنها به گواهی عدم پیشینه و عدم اعتیاد بسنده شده است، در حالی که مهم‌ترین عامل برای حفظ شئون اخلاقی و اسلامی فراتر از گواهی عدم سوء پیشینه است. در این خصوص متفکران علوم اسلامی و مدیران ارشد وزارت ورزش و جوانان باید راه‌های گسترش ورزش همگانی مساعد و نقاط ضعف و قوت فعالیت‌های حرفه‌ای ورزشکاران در سایه تدوین قوانین فقهی و آئین‌نامه‌های اجرایی دربردارنده منویات سیاست جنایی اسلامی در عرصه بین‌المللی باشند، زیرا این اقدامات می‌توانند به صورت حمایتی و فایده‌گرا و پیشگیرانه تحت تأثیر نهادهای بین‌المللی و سازمان حقوق بشری باشد، چون مفاهیم و واژگان حقوق بشری در محدوده مشترک کلیه کشورها قرار می‌گیرد. به نظر بنده که سالهای طولانی در این رشته فعالیت حرفه‌ای دارم و ایضا آموزش دیده حقوق هستم با همکاری سایر حقوقدانان ورزش در این رشته می‌توانیم کارسازی بهتری داشته باشیم به امید اینکه این اجرائیات اتفاق بیافتد.

پیشنهادهای

پیشنهاد این است تا قوه قضاییه شرایط و امکانات پیشگیری از جرایم ورزش را محیا کند تا جوانان، ورزشکاران خصوصاً پاورکارها بتوانند، مناسب با شرایط آرامش و آسایش خارج از هرگونه عوامل محیطی که پیامدهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی دارد، دور بوده تا بتوانند به آوردگاه ورزشی متکی و مطابق با نوشتار قانونی نظارت مستمر بر باشگاه های بدنسازی پاورکارها را داشته باشد. با دراختیار داشتن و تدوین شیوه نامه سلامت با نظارت و سازماندهی و پیشگیری از آسیب های اجتماعی، ساختار زیر می تواند در ارتقاء تندرستی جامعه ورزش پاورلیفتینگ در اهداف شورای سیاست گذاری متمر فایده باشد. این شیوه نامه توسط کمیته سلامت و ورزش خراسان رضوی در راستای اهداف شورای سیاست گذاری و پیشگیری از آسیب های اجتماعی ورزش با حضور کلیه مسئولین پزشکی، بهزیستی، آموزش و پرورش، استانداری، سازمان هلال احمر انجام یافته و اینک در برخی دیگر از استان ها قابلیت اجرا پیدا کرده است.

ماده ۱: در جهت ایجاد محیط سالم ورزشی، مطابق ماده ۶ قانون اجازه تأسیس باشگاه ورزشی و ورزشگاه توسط مردم با نظارت دولت، فعالیت کلیه باشگاه های ورزشی و ورزشگاه ها باید تحت نظارت اداره کل ورزش و جوانان، مطابق شئون اسلامی و مقررات و دستورالعمل های وزارت ورزش و جوانان و سایر دستگاه های ذیربط انجام گیرد.

تبصره: در صورتی که دستورالعمل ها مانع توسعه ورزش گردد، کمیته کارشناسی با حضور نمایندگان تام الاختیار دستگاه های ذیربط با توجه به شرایط، آئین نامه های موجود را تعدیل خواهد نمود.

ماده ۲: با توجه به اینکه اغلب تخلفات مربوط به حوزه ورزش و سلامت در اماکن فاقد مجوز توسط افراد فاقد صلاحیت انجام می شود، به منظور پیشگیری از وقوع تخلفات و جرایم مرتبط با حوزه فعالیت ورزش و جوانان لازم است، فعالیت اماکن ورزشی فاقد مجوز و افراد فاقد صلاحیت، قاطعانه جلوگیری شود. تخلفات اماکن فاقد مجوز، صدمات جبران ناپذیری به حوزه ورزش بدنسازی وارد نموده است.

تبصره: فعالیت مراکز و اماکن ورزشی دولتی و خصوصی، منوط به تأیید اداره کل ورزش و جوانان می باشد. در غیر این صورت مراجع انتظامی مکلفند، حسب اعلام اداره کل ورزش و جوانان، نسبت به تحلیل اینگونه اماکن اقدام نماید.

ماده ۳: پاسخ به کلیه نیازهای اختصاصی جامعه ورزش مرتبط با فعالیت های حوزه بهداشت و درمان که طبق قوانین بین المللی فدراسیون های ورزش آماتوری کشور و یا آئین نامه های وزارت ورزش و جوانان، برای ورزشکاران مجاز شناخته شده، جزء موارد فعالیت های کمیته سلامت و ورزش است.

ماده ۴: به منظور حفظ ارتقاء و تأمین سلامت ورزشکاران، کمیته موظف اجرایی نمودن برخورد قانونی با هرگونه تخلف در مراکز و اماکن ورزشی و فعالیت های مرتبط با ورزش من جمله دوپینگ، عرصه دار و نقایص فنی و مرتبط با سلامتی و ... می باشد.

ماده ۵: به منظور تسریع و پیشگیری از وقوع تخلفات ورزش و سلامت، آن دسته از مراکز ورزشی دولتی و خصوصی که فعالیت آن ها توسط کمیته ورزش و سلامت، تخلف محسوب گردد، ابتدا توسط اداره کل ورزش و جوانان، تذکر کتبی دریافت نموده و در صورت عدم توجه و اقدام مناسب، برخورد قانونی صورت پذیرد.

ماده ۶: کلیه مصوبات کمیته سلامت، پس از تأیید نهایی شورای سیاست گذاری و پیشگیری از آسیب های اجتماعی حوزه ورزش و جوانان توسط مدیرکل ورزش و جوانان و یا دستگاه های ذیربط جهت اجرای ابلاغ می گردد.

ماده ۷: کلیه اماکن ورزشی دولتی و خصوصی، هنگام تأسیس و یا تجدید پروانه جهت استعمال و صدور تأیید فنی سلامت به هیأت پزشکی ورزش استان معرفی و صدور یا تجدید پروانه منوط به ارائه تأیید هیأت پزشکی ورزش استان می باشد.

این شیوه سلامت که هم اکنون در برخی از استان های کشور قابلیت اجرایی دارد، به طور قاطع باید توسط حقوق دانان اسلامی بازنگری و مقید به قوانین اسلامی معتبری شود تا در سراسر استان های کشور عملیات به اجرا درآید. این شیوه سلامت که منوط به تمام رشته های ورزشی بدنسازی می باشد، به شکل محدود عملیاتی گردیده است و قابلیت همه گیری نداشته و ندارد.

منابع

- آقای نی، حسین (بی تا). حقوق ورزش و مسئولیت های قانونی آن. انتشارات معین.
- جامپیون، جونیور؛ و واستر، تی (بی تا). مبانی حقوق و ورزش ها، ترجمه حسین آقای نی. نشر دادگستر.
- درخشانی، لعبت (۱۳۸۵). اخلاق در ورزش. تهران: کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران.
- (۱۳۸۳). سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران. انتشارات سمت.
- شعبانی مقدم، کیوان (بی تا). حقوق ورزشی، اندیشه های حقوقی.
- شکری، نادر (بی تا). حقوق ورزش، بررسی نظم حاکم بر حقوق ورزشی ایران.
- کریستین، لازرژ (بی تا). درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی.
- کوشا، جعفر (بی تا). سیاست جنایی ایران در لایحه قانون مجازات اسلامی، انطباق با اسناد حقوق بشری و موازین.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۵). ثلاث رسائل، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیه السلام.
- فقهی، ---- (بی تا). تازه های علوم قضایی، مجموعه مقاله کتاب اول، نشر بنیاد حقوق میزان.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷). القواعد الفقهیه. قم: انتشارات امام علی علیه السلام.
- مشکینی، میزا محمد حسین (۱۳۷۳). منیة الطالب فی حاشیة المکاسب، المکتسبه المحمدیه، تهران.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۹۲). تازه های علوم جنایی، تهران: میزان.
- وحیدی صدر، محمد رضا (۱۳۹۹). بررسی فقهی حقوقی آسیب زدن حریف ورزشی، شبکه اجتهاد.
- ویلیام مورگان، کلاوس جی؛ و میر آنجلاس جی، اشنادیر (بی تا). اخلاق در ورزش، ترجمه دکتر سید محمد رضوی، محسن بلوریان.
- C.Jefferies, siephan. (1985). *sport law study guide*.
- Spengler, O. John. (2009). *Introduc on to sport law*.
- Tes stevens: Amateur sport. Act of 1998.
- Well, christinel. (1985). *women sport 8 performance: a physiology perspective*
- www.varzesh.com
- www.plympic.ir

